

ویژگی‌های مدیران تحمیلی غیرورزشی

مدتهاست که برخی از دلسوزان ورزش از مدیران تحمیلی در ورزش و هیئت‌های ورزشی گله‌مندند و این کار را برای توسعه و پیشرفت رشته‌های مختلف ورزشی آسیب‌جدی می‌دانند.

وظیفه رسانه، اطلاع‌رسانی است. دفاع از حق ورزش و ورزشی‌ها و پرداختن به مسائلی که بتواند در درازمدت به نفع ورزش باشد امری واجب و ضروری است. پیدا کردن امکان فعالیت در یک فدراسیون و هیئت ورزشی حق طبیعی ورزشکاران و آشنایان به امور ورزش می‌باشد و دفاع از این حق نباید عده‌ای را آشفته نماید.

ورزش کشور خاطرات خوبی از مدیران تحمیلی ندارد. این ادعا را بررسی کارنامه کسانی که در سال‌های اخیر در ورزش صاحب عنوان و مسئولیت شده‌اند به‌خوبی نشان می‌دهد.

با قد علم کردن مدیران تحمیلی در ورزش، افراد لایق و صاحبان اصلی آن به کنج انزوا و کنج عزلت رانده می‌شوند. وقتی مسئول یک هیئت و یک مجموعه با پیشکسوتان و بزرگان یک رشته آشنایی نداشته باشد و تا زمان انتصاب برای یک‌بار هم که شده آن‌ها را از نزدیک ندیده باشد آیا می‌توان از چنین مدیری انتظار تحول و حفظ حرمت و جایگاه پیشکسوت را داشت؟

مدیران تحمیلی در ورزش به چه کسانی گفته می‌شود؟ مدیران تحمیلی کسانی هستند که بدون داشتن سابقه فعالیت ورزشی و آشنایی با آن در عرصه ورزش آفتابی می‌شوند. انتصاب آن‌ها نه بر مبنای لیاقت و شایستگی بلکه صرفاً به‌خاطر ارتباط با این و آن و یا آن مقام غیر ورزشی و یا وابستگی به این و آن جناح انجام می‌پذیرد.

مدیران تحمیلی وقتی فرصت ابراز وجود در ورزش پیدا می‌کنند به یک‌باره عاشق دلسوخته ورزش می‌شوند. آن‌هایی که تا دیروز فعالیت‌های ورزشی را بی‌ثمر می‌دانستند با قبول پست به یک هوادار دوآتشه تبدیل می‌گردند! آن‌ها وقتی جای پای خود را محکم بکنند به آویزان‌های همیشگی ورزش تبدیل شده و نقش بازدارنده در مسیر توسعه آن بازی می‌کنند.

یکی از آثار مخرب و نابودکننده مدیران تحمیلی در ورزش اشاعه

فرهنگ چاپلوسی، مجیز گوئی و نقد ستیزی است.

مدیر غیرورزشی همیشه با چماق تهدید و اتهام پراکنی و دروغ‌های شاخدار به دنبال خاموش کردن صدای منتقدان است، مدیر تحمیلی دل‌باخته تعریف و تمجید و قصیده‌های بلند بالای مدح و ستایش است، مدیر تحمیلی در مجموعه تحت مدیریت کاری جز راندن منتقدان و گوشه‌نشین کردن حق‌گویان ندارد، مدیر تحمیلی علاقه‌مند است که همه از او به نیکی یاد کرده و در وصفش سخنها بگویند، مدیر تحمیلی تحمل شنیدن عقیده‌ای جز وابستگی‌های خود را ندارد و برای مدیر تحمیلی چیزی بالاتر و ارجح‌تر از ماندن در قدرت نمی‌تواند مطرح باشد.

مدیران تحمیلی غیر ورزشی با حمایت کسانی که در معادلات سیاسی آینده، انتظار از ورزش و ورزشی‌ها دارند به صدر می‌رسند. برای کسانی که عمری را در ورزش سپری کرده‌اند مجهول بودن صلاحیت و تخصص و چگونه به قدرت رسیدن مدیران تحمیلی همیشه با سؤال‌های بی‌جواب همراه بوده است.

امیدواریم به همت مسئولان برای همیشه بساط مدیران تحمیلی در ورزش برجیده شود. سخن گفته شده از سر صدق و علاقه‌مندی به پیشرفت ورزش است. اگر مدیران و دست‌اندرکاران امر با در نظر گرفتن اهمیت ورزش از میدان دادن به خودخواهان و فرصت‌طلبان و از خودراضی‌ها خودداری کنند و رشته‌ی امور را به دست اهلس بسپارند ارتقای سطح ورزش همراه با شادی و غرور آفرینی برای مردم حتمی خواهد بود.